

خاطرات شفاهی احمدعلی راغب به کوشش محسن صفایی فرد کتاب شده است

سه برش از «بانگ آزادی»

گفت و گو با محمد گلریز در پی درگذشت استاد احمدعلی راغب

خط شکنی های

«مرد هزار آهنگ»

۱۲



سال من و سوم شماره ۱۲
شنبه ۲۲ آذر ۱۳۹۹
۱۲ شهریور ۱۴۰۰
ZENDIGI@QUDSONLINE.IR

یادداشت های چرخدار
annotation@qudsonline.ir
عباسعلی سپاهی پونسی



رکابزنی در جنوب شرق (قسمت پنجم)

هتل توپی

سه شنبه با همه تلاشی که کردم به تاریکی شب خوردم. رکابزنان داشتم به سمت قلعه گنج می آمدیم که ماشینی کنار جاده توقف کرد و یکی از سرنشینانش از من هم خواست توقف کنم. وقتی فهمیدند خبرنگارم و برای تهیه گزارش آمده ام، خواستند فردا با هم سری به یکی دو روستا بزنیم تا مشکلات مردم را ببینیم. با اینکه من برای سوژه مشخصی به قلعه گنج آمده بودم، اما با این نیت که دست کم مشکلات روستاییان را به گوش مسئولان برسانم، دعوتش را پذیرفتم و قرار برای فردا گذاشتم. چند دقیقه پس از رفتن دوستان نوبافته ام هوا کاملاً تاریک شد. جاده، شانه خاکی درستی نداشت و این، رکاب زدن را برایم سخت و خطرناک می کرد. خوشبختانه چند دقیقه نگذشته بود که ماشینی پلیس از من رد شد و چند متر جلوتر ایستاد. دوباره همان سوالات همیشگی و بعد هم گفت پشت سرم حرکت می کند تا خطری متوجه ام نباشد. تا ورودی شهر قلعه گنج این همراهی ادامه داشت. واقعاً سرنمده دو پلیس وظیفه شناس شده بودم که با حوصله چند کیلومتری همراهی کردند. چند دقیقه بعد به محض اینکه وارد قلعه گنج شدم ناگهان صدای شلیک شنیدم و پس از چند ثانیه شلیک دوم. مردم همه به سمتی نگاه می کردند که ماشینی نیروی انتظامی به سرعت داشت می رفت و پس از چند ثانیه دو ماشینی دیگر هم به ماشینی اولی اضافه شد. نمی دانم از یاقدم من بود یا...؟ به هر حال برای من که خسته وارد شهر شده بودم دیدن این صحنه اصلاً خوب نبود و انگار خستگی ام بیشتر شد. برای همین ترجیح دادم خودم را به هتل کبری شهر برسانم. هتل کبری قلعه گنج که چند سالی از افتتاح آن می گذرد، تنها هتل کبری چهارستاره در جهان است. نکته قابل تأمل درباره این هتل، نوع معماری آن است که اتاق ها و کل معماری هتل بر اساس معماری کبرها انجام شده است. یعنی کبری که در گذشته و بیشتر در حال حاضر نمادی از فقر و محرومیت است، حالا تبدیل به نماد دیگری شده است. در منطقه جنوب کرمان به اتاق های کبری اتاق توپی هم می گویند. برای همین مردم محلی از اصطلاح هتل توپی برای هتل استفاده می کنند و این را وقتی فهمیدم که آدرس هتل را از عابری پرسیدم. البته دیدن هتل کبری از این نظر برایم جالب بود که می شود با استفاده از شیوه معماری گذشته و مرتبط با اقلیم و جغرافیای هر منطقه از کشورمان بناهایی بسازیم که ارتباط بیشتری با زندگی ما، محیط زیست و فرهنگ کشورمان داشته باشد. این چیزی است که به نظر من در ساخت و سازهای روستایی از آن به شدت غفلت می شود. بالاخره خودم را به هتل کبری رساندم و پس از ۱۱۰ کیلومتر رکاب زدن فرصتی داشتم تا استراحتی بکنم و تجدید قوا.

یاد

بر اثر ابتلا به کرونا

«محمداعظم رهنورد زریاب» در گذشت

محمداعظم رهنورد زریاب، نویسنده سرشناسی که در کشورهای فارسی زبان ایران، افغانستان و تاجیکستان شناخته شده است در سن ۷۷ سالگی بر اثر ابتلا به کرونا درگذشت. محمداعظم رهنورد زریاب از نویسندگان معاصر و از بزرگترین نویسندگان افغانستان در عرصه داستان های کوتاه بود. «مهتر» در این باره نوشت: «او لیسانس خود را در رشته روزنامه نگاری از دانشگاه کابل و مدرک کارشناسی ارشد را در همین رشته از دانشگاه ویلز جنوبی از بریتانیا بدست آورده بود. وی به زبان انگلیسی تسلط و در فلسفه، روان شناسی و جامعه شناسی مطالعات زیادی داشت.

رهنورد زریاب خالق دهه های اثر ادبی و پرکارترین نویسنده از نظر تعداد آثار تولید شده در دهه های اخیر بود. او روایت های خود را در انواع و سبک های مختلف به خوانندگانش عرضه کرده است. این نویسنده بیشتر از ۱۰۰ داستان کوتاه و چندین رمان نوشته است؛ از آثار او می توان به «هذیان های دور غربت (طنزها)، آزادی اندیشه و گفتار (مجموعه مقاله های پژوهشی)، درویش پنجم (رمان)، گلنار و آینه (رمان)، داستان ها (مجموعه جلدی داستان های کوتاه)، زیبای زیر خاکه (فخته (گزیده داستان های کوتاه) و...» اشاره کرد. ترجمه ها و مقالات زریاب در کتاب هایی چون پیراهن ها، حاشیه ها و گنگ خواب دیده منتشر شده است. مقالات تحقیقی او درباره صادق هدایت و بزرگ علوی از کارهای مورد توجه ایرانیان است. گزیده ای از داستان های کوتاه رهنورد زریاب به نام «تصویر» به زبان روسی ترجمه شده و فیلم نامه فیلم «اختر مسخره» نیز از آثار او است.



بالاخره با فضایی ها دیدار خواهیم کرد؟

بیگانه های آشنا!



محمد تربت زاده | موجودات فضایی انگار جذابیت عجیبی برای خیلی هایمان دارند. آن ها همیشه یک پای فیلم و داستان های تخیلی بوده اند و بسیاری از کارگردان ها و نویسندگان تلاش کرده اند دست کم در قصه هاییشان، وجود آدم فضایی ها را به واقعیت پیوند بزنند. دانشمندان و فیزیکدان ها هم همین طور. با وجود همه این تلاش ها اما تا امروز کسی نتوانسته وجود موجوداتی خارج از کره زمین را به اثبات برساند. البته در این سال ها، برخی از چهره های سیاسی تلاش کرده اند با سوءاستفاده از جذابیت این موضوع، برای خودشان اسم و رسمی دست و پا کنند. نمونه اش رئیس پیشین اداره فضایی وزارت دفاع اسرائیل که همین چند روز پیش ادعا کرده آدم فضایی ها با اسرائیل و آمریکا در تماس هستند و حتی یک پایگاه سری مشترک در اعماق مریخ ساخته اند! اگرچه این ادعا یک بار دیگر موجودات فضایی را تبدیل به سوژه داغ فضای مجازی کرده اما این مطلب هیچ ارتباطی با مسئول سابق رژیم صهیونیستی و ادعاهای کودکانه اش ندارد، بلکه قرار است به نقل از چندین مقاله علمی معتبر و نظرات چند فیزیکدان بزرگ، احتمال وجود موجودات فرازمینی و نحوه ارتباط احتمالی با آن ها را بررسی کند.

ما تنها نیستیم

تاکنون افراد زیادی درباره موجودات فرازمینی اظهار نظر کرده اند اما یکی از نخستین اظهار نظرهای علمی که توسط یک فیزیکدان بزرگ مطرح شد، برمی گردد به صحبت های استیون هاوکینگ که مدتی پیش از درگذشتش اعلام کرده بود: «من بیشتر از هر زمان دیگری پذیرفته ام که ما تنها نیستیم».

یکی دیگر از دانشمندان که وجود موجودات بیگانه را تقریباً قطعی می داند «میچیو کاکو» است. کاکو ۷۴ ساله شاگرد ادوارد تلر و از نظریه پردازان بزرگ فیزیک کنونی جهان است.

اگرچه این فیزیکدان در کشورمان زیاد شناخته شده نیست، اما یکی از بزرگترین دانشمندان معاصر است که نظریه «ریسمان» و «میدان» را پایه گذاری کرده است. این فیزیکدان بزرگ، کتاب های زیادی نوشته اما مهم ترین اثر او، کتاب «فیزیک غیرممکن ها» است که هرساله در فهرست پرفروش ترین کتاب های علمی جهان قرار می گیرد. دلیل این فروش بالا هم تبحر خاص او در ساده سازی مفاهیم پیچیده فیزیکی است.

که خیلی هاییشان از درک مردم عادی خارج است. خلاصه صحبت هایشان در مورد تمدن نوع دو اما این است که در این مرحله هیچ چیزی از بین نمی رود! او با دلایل فیزیکی اثبات کرده هر موجودی به این سطح برسد تقریباً نابمیرا می شود!

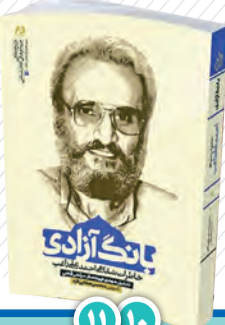
در نهایت تمدن نوع سه تمدنی است که بر تمام قوانین فیزیک و در نتیجه بر فضا و انرژی موجودی از هزاران ستاره تسلط دارد. کهکشان را بدون مشکل کاوش می کند، سیارات را با استفاده از روبات های هوشمند می بیند و می تواند با سرعت زیاد سفرهای فضایی انجام دهد.

مثل حشرات

با وجود این اما هنوز ابهامات زیادی در این زمینه وجود دارد. شاید ارتباط برقرار کردن با موجودات بیگانه در صورتی که وجودشان به اثبات برسد، به نظرتان ساده باشد اما حتی اگر تمام مشکلات مربوط به فناوری و زبان شناسی را هم کنار بگذاریم، این احتمال وجود دارد که در مرحله تمدن فیزیکدان ها، موجودات فضایی در مرحله تمدن نوع سه به سر ببرند. یعنی مرحله ای که در آن بر زمان و مکان و همه کهکشان های موجود در جهان و خلاصه تمام هستی تسلط دارند. آن وقت به قول کاکو، ما توان برقراری ارتباط با آن ها را نخواهیم داشت چرا که انسان و تمدنش همان قدر برای آن ها اهمیت خواهند داشت که زیست یک گونه گیاه از حشرات در گوشه ای از جنگل های آمازون برای انسان اهمیت دارد! چه بسا با وجود همه تلاش های ما، آن ها هیچ وقت متوجه وجود داشتن ما نشوند، همان طور که ما احتمالاً از وجود بسیاری از حشرات کوچک روی کره زمین بی خبریم و در واقع اهمیتی هم به آن نمی دهیم!

انسان نابمیرا می شود!

لاید از خودتان می پرسید معنای نوع یک و دو و سه چیست؟ به اعتقاد کاکو، سرنوشت بشریت به سادگی می تواند بر پایه یک مدل توسعه توضیح داده شود. بر پایه این مدل توسعه، انسان در طول تکامل خود چهار مرحله تمدن را پشت سر می گذارد. در تمدن نوع صفر که ما انسان ها در حال حاضر در آن قرار داریم، انسان بر پایه سطح فناوری، گام هایی به عقب یا جلو برمی دارد. در تمدن نوع یک انسان به طور کامل به کوچکترین منابع انرژی سیاره شامل همه منابع خورشیدی، گرمایی، دریایی و... تسلط پیدا می کند. به گفته کاکو ما در مرحله گذار از نوع صفر به نوع یک هستیم. کاکو در مورد نوع دو توضیحات مفصلی ارائه داده



۱۲

۱۱۰

ورزش

اعتقادی به بوق و کرنا و هیاهو علیه داوران ندارم

رحمتی: مقابل استقلال دست و پا بسته نیستیم

قایدی در گفت و گو با قدس:

شاید به «شهر خودرو» برسیم



دروازه بانی بادستکش طلایی بیس بال در زمین فوتبال چشم آبی ها انگشت به دهان از عملکرد «بیرانوند»

مجاز آباد

لفت ندادند

پرویز پرستویی این بار در اینستاگرامش تصویر جالب توجه و پستی جالب توجه تر را به اشتراک گذاشته است: «برای این کانال نتونستم چیزی بنویسم. نمی دونم اسمش چیه؟ آدمینش کیه؟ چندتا عضو داشته؟ اعضااش الان کجان؟ ولی دم همه شون گرم که لفت ندادن و تا آخر تو کانال موندن تا ما آروم باشیم. شادی روح شهدا صلوات...عکس و کپشن از برادر بزرگوارم: آقای مهدی افضلی، مدیرعامل بنیاد رودکی».



شجاعانه

نیک پاتون والش، خبرنگار مشهور سی ان ان با انتشار گزارشی که از نحوه مقابله با بیماری کرونا در ایران تهیه شده بود، توییتی را در صفحه شخصی خود منتشر کرده و با اشاره به شدیدترین تحریم های دارویی و تجهیزات نوشت: «مقابله با کرونا را در سراسر جهان دیده ام اما به خاطر وجود پزشکان شجاع و دلیر ایرانی، ایران با فاصله زیاد از سایر کشورها در دشوارترین شرایط ممکن، شجاعانه ترین عملکرد را دارد».



کلکسیون افتخارات خیانت بار

روزنامه آمریکایی الگمیر که بر خبرهای مربوط به رژیم صهیونیستی تمرکز دارد، هر ساله فهرست ۱۰۰ نفر برتر که تأثیر مثبت روی زندگی صهیونیست ها داشته اند را معرفی می کند که در فهرست اسمال نام مسیح علی نژاد هم دیده می شود. البته خود مسیح علی نژاد در توییت خود مدعی شد به عنوان یکی از ۱۰۰ چهره تأثیرگذار معرفی شده و هیچ اشاره ای به تأثیرگذار بودن این ۱۰۰ نفر بر بقای اسرائیل و صهیونیست ها نکرده است.



شغل انبیا

معلم ها هم مثل برخی از اقشار دیگر در روزهای کرونایی دست به کارهای خیرخواهانه خوبی زدند. یک فعال رسانه ای در این باره در توییت نوشت: «محمد، کودکی افغان است. در یک میوه فروشی در تهران کار می کند. معلمی بازنشسته، چند بار در هفته به میوه فروشی می رود و به محمد در لابه لای کارها، درس می دهد. حالا این کودک افغان، سواد خواندن و نوشتن یاد گرفته است. کار این معلم تهرانی اگر کار انبیا نیست، پس چیست؟»





یادداشت روز

annotation@qudsonline.ir
محسن صفایی فرد، نویسنده و پژوهشگر

«راغب» و جواز موسیقی پس از انقلاب

یکی از مهم‌ترین دلایلی که موجب می‌شود ما آقای راغب را به عنوان سرسلسله یا یکی از سرسلسله‌داران موسیقی انقلاب تلقی کنیم، به تأیید حضرت امام(ره) به موسیقی قطعه «شهید مطهر» برمی‌گردد که از ساخته‌های ایشان برای سالگرد شهید مطهری است که با صدای آقای محمد گلریز و شعر حمید سبزواری اجرا شده است. اگر از کسانی که تاریخ موسیقی انقلاب را به یاد می‌آورند بپرسید، می‌گویند در سال‌های اول انقلاب، تحت تأثیر فضای پرفساد موسیقی پیش از انقلاب، در یکی دو سال اول قدری محتاطانه با موسیقی برخورد می‌شد. به خصوص از این جهت که موسیقی پیش از انقلاب جوازهای فقهی و شرعی را نداشت و موسیقی پس از انقلاب محتاج یک نمونه برای تأییدات شرعی و فقهی بود. در واقع برای حکم صادر کردن درباره موسیقی ما نیاز به یک نمونه ایده‌آل و متعالی داشتیم تا بگوییم اگر موسیقی پس از انقلاب چنین چیزی باشد، معقول و مطلوب است و انقلاب، به خصوص رسانه ملی، می‌تواند روی آن سرمایه‌گذاری کند. سالگرد شهادت شهید مطهری این فرصت را ایجاد کرد و آهنگساز فقید ما آن قطعه ماندگار را اجرا کرد و نوشت که توسط آقای گلریز خوانده شد. من اینجا می‌خواهم کمی تحلیلی‌تر و جزئی‌تر به قطعه شهید مطهر و نقش آقای راغب در تولید و موفقیت آن نگاه کنیم.

نهاد شعر در فرهنگ و ادبیات و هنر سرزمین ما یک نهاد اجتماعی غنی و قوی است. به این ترتیب که شاعر توسط جامعه شناخته می‌شود و به خصوص در دوران جدید به راحتی کتاب شعر منتشر می‌کند و هویت شخصی خودش را از طریق انتشار کتاب شعرش معرفی می‌کند. همچنین در محافل شب شعر و شعرخوانی با مردم ارتباط مستقیم برقرار می‌کند و آنجا هم به عنوان شاعر شناخته می‌شود. از طرف دیگر خواننده به عنوان کسی که یک قطعه موسیقی را اجرا می‌کند و شعر را می‌خواند پیشانی یک قطعه موسیقی محسوب می‌شود. به همین دلیل مخاطب خواننده را می‌بیند، نه شاعر و نه آهنگساز آن قطعه را. به خاطر همین است که معمولاً آهنگسازان دیده نمی‌شوند و کمتر به نقش آن‌ها توجه می‌شود. من معتقدم در سال‌های اول انقلاب و پس از آن، یکی از سه‌ضلعی تولید موسیقی؛ یعنی شعر، خوانندگی و آهنگساز که هیچ وقت به خوبی دیده نشد، ضلع آهنگساز آن بود. این در صورتی است که آن ضلعی که همه بحث‌ها و همه بگو مگوها درباره آن بود و حساسیت ایجاد کرده بود، موسیقی و آهنگساز می‌بود. ما اینجا با نقش پررنگ آقای راغب مواجه می‌شویم که موسیقی انقلاب را نجات داد، اما خود هیچ وقت چنان که باید مورد توجه واقع نشد و نقشش به خوبی دیده نشد. احمدعلی راغب کسی بود که با قطعه شهید مطهر اهمیت و کارسازی خودش را در همین ضلع نشان داد. این نخستین موسیقی است که به طور عمومی به تأیید حضرت امام(ره) رسید. خود آقای راغب در خاطراتش می‌گویند شهید مجید حداد عادل نسخه‌ی کلام این قطعه را برای حضرت امام پخش کرده بودند که همین نشان از همراهی امام حتی با اصل موسیقی و ملودی این قطعه دارد. بعدها حاج احمدآقا خمینی در مصاحبه‌ای که با روزنامه کیهان دارند از رضایت حضرت امام درباره ساختن این قطعه موسیقی صحبت کرده‌اند. این اهمیت و خط‌شکنی راه بازگشایی احمدعلی راغب در موسیقی پس از انقلاب است. شاید در خاطرات خیلی از خواننده‌ها و اهالی موسیقی شنیده باشید که می‌گویند پس از انتشار قطعه شهید مطهر، هر جایی که ما دست به ساز دیده می‌شدیم و با تنگ نظری‌هایی توسط بعضی نهادهای انتظامی جامعه روبه‌رو می‌شدیم، به آن‌ها می‌گفتیم ما داریم روی سرود شهید مطهر را ضبط کنیم! و با همین جمله کاری به کار ما نداشتند. این یعنی سرود شهید مطهر تبدیل به جواز موسیقی پس از انقلاب می‌شود و نکته مهم در این صورت مجوز نقش برجسته، بارز، اصلی و حساس همان ضلع موسیقی بوده است.

ممکن است مثلاً ما بگوییم تولد قطعه «شهید مطهر» در ذهن آهنگساز ما یک اتفاق بوده باشد، ولی شما پس از آن با ده‌ها قطعه ماندگار روبه‌رو می‌شوید که این ذهن خلاق در تمام سال‌ها دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰ خلق کرد. اینکه یک قطعه موسیقی تبدیل به حافظه ملی و جمعی بشود و حتی تبدیل به یک امضا برای یک رویداد تاریخی، نشان می‌دهد این آهنگساز استثنایی است و یک اتفاق نیست. بنابراین ما پس از انقلاب با یک پدیده آهنگسازی مواجه هستیم که موسیقی ما را از گردنه موسیقی‌های گذشته و مطرح‌گونه عبور می‌دهد و موسیقی را پدید می‌آورد که همراهی مردم را نیز با خود دارد. خود آقای راغب به دلیل موفقیت‌ها و خط‌شکنی‌های قطعه شهید مطهر می‌گفتند ۱۲ اردیبهشت برای من یک روز تعیین‌کننده است؛ چرا که هم روز تولد من، هم روز شهادت استاد مطهری و هم روز پخش قطعه شهید مطهر است و از هر جهت روز ۱۲ اردیبهشت روز تولد من است.

به خاطر همه این موفقیت‌ها ما می‌توانیم بگوییم آقای راغب یک نقش تعیین‌کننده و کارساز برای موسیقی انقلاب داشته و حتی وقتی می‌گوییم موسیقی انقلاب، منظورمان تنها موسیقی انقلابی نیست، بلکه به طور کلی پس از انقلاب را در نظر داریم. راغب در دو عرصه مدیریت و هنر، موفق بود. سال‌ها در مدیریت مرکز موسیقی صداوسیما و مدیر بخش مراکز و استان‌های صداوسیما مدیریت کرده بود و هم شأن هنری داشت که در هر دو حوزه می‌بینیم اتفاق‌های مهم و بزرگی را رقم زده‌اند. مثلاً یکی از دستاوردهای کارنامه هنری ایشان این است که سراغ ژانرها و گونه‌های مختلف موسیقی می‌روند و در هر کدام آثار خاصی را به وجود می‌آورند. در موسیقی پاپ، تصمیم سیاست‌گذاران موسیقی پس از جنگ این بود که به موسیقی پاپ امکان فعالیت داده شود. نخستین قطعه‌ها «گل می‌روید به باغ» و «رقص گل‌ها» بود که توسط عباس بهادری خوانده شد. احمدعلی راغب که آهنگسازی این قطعه‌ها را بر عهده داشت اینجا هم خط‌شکنی کرده است. آقای راغب در هر حوزه‌ای که ورود کردند کارهای شاخص و ماندگار ساختند و امیدواریم جوان‌ها راه ایشان را ادامه دهند.

اجواد شیخ‌الاسلامی استاد احمدعلی راغب، یکی از ماندگارترین و شناخته‌شده‌ترین آهنگسازان و هنرمندان موسیقی انقلاب، سه‌شنبه ۱۸ آذر در سن ۸۶ سالگی پس از مدت‌ها مبارزه با بیماری سرطان، دار فانی را وداع گفت.

احمدعلی راغب در سال ۱۳۵۸، پس از تعطیلی فعالیت واحد موسیقی صدا و سیما، به همراه چند نوازنده دیگر و همکاری محمد گلریز، مشغول ساخت و اجرای سرود در ارتباط با انقلاب شد و پس از آشنایی با حمید سبزواری و همکاری با شهید مجید حداد عادل که در آن زمان مدیر رادیو بود، به تهیه سرودهایی همچون «خجسته باد این پیروزی»، «شهید مطهر»، «نواب صفوی»، «نغمه اتحاد»، «نغمه توحید»، «مارش حرکت»، «پاسداران»، «سرود بسیج»، «خداها خدایا»، «باز آی»، «آمریکا آمریکا» و ده‌ها سرود دیگر پرداخت که جزئی از خاطرات جمعی مردم ایران را تشکیل دادند.

زنده‌یاد راغب در سال ۱۳۸۲، به دلیل خلق ترانه‌ها و سرودهای ماندگار انقلاب موفق به دریافت مدرک درجه یک هنری معادل دکترا در رشته آهنگ‌سازی شد. همچنین در جریان برگزاری بیست و هشتمین جشنواره موسیقی فجر از این شخصیت برجسته موسیقی انقلاب قدردانی به عمل آمد.

به همین بهانه با محمد گلریز، خواننده پیشکسوت و انقلابی که آثار موفق و مشترکی با مرحوم راغب در کارنامه دارد، درباره نقش و جایگاه مرحوم راغب در موسیقی انقلاب و چگونگی تولید شاخص‌ترین سرودها و قطعه‌های موسیقی انقلاب گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

آغاز آشنایی شما با استاد راغب چطور شکل گرفت؟

آشنایی ما با آقای راغب از پیش از انقلاب شروع شد. من از سال ۱۳۵۵ فعالیت‌م را با گروه شیدا به سرپرستی استاد محمدرضا لطفی، شروع کردم. اتفاق دیگری در رادیو بود که گروه آقای مفتاح، از استادان رادیو و موفق آن دوره، در آن تمرین می‌کردند و نوازندگان، پیشکسوتان و اهالی موسیقی آنجا بودند. من هم گاهی به آقای لطفی سر می‌زدم و احوال‌پرسی می‌کردیم و گاهی توفیق پیدا می‌کردیم که آن ارکستر برای ما آهنگ‌هایی را بنوازند و من بخوانم. در همین رفت و آمدها بود که با آقای راغب آشنا شدیم. چون آقای راغب هم جزو آن گروه بودند و آنجا عود می‌نواختند. آشنایی ما از سال ۵۵ شروع شد و بعد که انقلاب شد، ارتباط ما شکل جدی‌تری به خودش گرفت. با توجه به اینکه منزل ما در خیابان ایران تهران نزدیک منزل آقای راغب بود، به واسطه همان آشنایی که پیش از انقلاب با هم داشتیم، با هم تماس گرفتیم. ایشان خیلی مصر بودند کارهای انقلابی و خوبی برای انقلاب انجام دهند. با توجه به اینکه آن موقع شبها منع رفت و آمد بود، ما، شهید مطهر و قطعاتی برای شهید بهشتی، شهید رجایی و شهید مفتح خواندیم. کارهای خیلی زیادی انجام دادیم که نام بردن از آن‌ها فهرست طولانی می‌شود. مثلاً قطعه «خجسته باد این پیروزی» یکی از شاخص‌ترین قطعه‌ها بود. سرودهای زیادی را اجرا کردیم که آقای راغب خالق این ملودی‌ها بودند و من هم در خدمتشان بودم. یادی هم از آقا‌ط مجتبی میرزاده کنیم که ایشان وظیفه تنظیم کارها را بر عهده داشتند و خیلی خوب از عهده کار برمی‌آمدند.

گفت‌وگو با محمد گلریز در پی درگذشت استاد احمدعلی راغب
خط‌شکنی‌های «مرد هزار آهنگ»



این مسیر حرکت می‌کرد. به همین دلیل است که من گاهی اوقات می‌گویم آقای سبزواری پدر شعر انقلاب بودند و آقای راغب هم پدر موسیقی انقلاب بودند؛ چرا که خیلی زحمت کشیدند و آهنگ‌های مؤثری ساختند و جالب است که ایشان آهنگ‌های بسیاری ساختند ولی حتی یک کدامشان به دیگری شباهت ندارد. البته اینجا ناگفته نماند که نقش آقای میرزاده هم بسیار پررنگ بود. ایشان بود که با تنظیم خوب به این آهنگ‌ها جلوه داد. ولی در هر صورت آقای راغب پیشرو بودند. البته آهنگسازان دیگری هم بودند که نمی‌شود آن‌ها را نادیده گرفت مثلاً آقای میرزمنانی یا آقای شاهنگیان که سرودهای «خمینی ای امام» و «برخیزید» را ساختند و کسان دیگر هم بودند ولی آقای راغب پیشرو بودند.

فرمودید بیشتر ملودی‌ها را از شعرهای مردم پیدا می‌کردید. درباره این بیشتر توضیح دهید.

همان طور که ابتدا گفتیم وقتی انقلاب شد دگرگونی‌های زیادی در همه مسائل به خصوص در مسئله فرهنگ، هنر و موسیقی پیش آمد. اما ما نمی‌دانستیم چه چیزی باید بسازیم. این بود که با مشورت آقای راغب رفتیم بین مردم تا ببینیم مردم چه می‌گویند. رفتیم و دیدیم پیشنهادشان چقدر مناسب بود. ما مردم را دیدیم که از آن صفوف فشرده مشت‌های خودشان را بالا می‌برند و شعارهای کوبنده می‌دادند. که آن شعارها دقیقاً مناسب کار ما بود. ما از همین شعارها و ملودی‌ها استفاده می‌کردیم، ولی طبیعتاً آن‌ها را دوباره تنظیم می‌کردیم و به آن‌ها شکلی می‌دادیم که مناسب آهنگ‌سازی باشد. مایه اصلی ما از همین شعارها و ملودی‌هایی بود که مردم با همه وجودشان سر می‌دادند. جالب اینکه هر اتفاقی در اول انقلاب می‌افتاد، ما یکی دو تا سرود می‌ساختیم. هر شهادتی، اتفاقی و حادثه‌ای که رقم می‌خورد ما سرود می‌ساختیم و این خیلی کمک می‌کرد که مردم آگاه شوند و شوق و ذوق پیدا کنند. خیلی مهم بود ولی اکنون متأسفانه این طور نیست.

حاج‌قاسم شهید شدند و ۲۵ میلیون آدم به خیابان‌ها آمدند، ولی کار شاخصی ساخته نشد تا ورد زبان مردم شود. توقع این بود که صداوسیما و وزارت ارشاد کارهای جدیدی تولید کنند. یا حوادث بسیار بزرگی مثل شهادت شهید حججی، شهدای غواص ... اتفاق افتاد که از آن‌ها بهره‌ای نبردیم. ما اول انقلاب بلافاصله درباره مسائل جامعه سرود می‌ساختیم که همه آن‌ها کارهای ماندگاری شدند و ورد زبان مردم شدند. ولی اکنون نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده است که به این بی‌عملی افتاده‌ایم.

البته سرودهایی ساخته می‌شود اما تأثیر گذشته را ندارند.

بله. باید با عشق و علاقه و اتحاد قلبی باشد و کارها با همه وجود تولید شود.

درباره لقب «هزار آهنگ» که به استاد راغب داده‌اند چه نظری دارید؟

کاملاً درست است. آقای راغب نزدیک به ۲هزار آهنگ ساخته است. بسیار عجیب و غریب است که بین آهنگ‌های ایشان هیچ شباهتی هم نیست و این جزو استثناات است. من فکر نمی‌کنم کسی در آینده هم بتواند این تعداد آهنگ بسازد که بسیاری از آن‌ها ماندگار باشد و شباهتی هم به یکدیگر نداشته باشند. این لقب درستی است و من اضافه می‌کنم که ایشان پدر موسیقی انقلاب هم بودند.

یاد

خاطره محمد گلریز از استاد راغب

میخونی بابا! نگران نباش!

من با آقای راغب خاطرات زیادی دارم. مثلاً همان اول انقلاب یادم هست هم پیدا نمی‌شد. همه این‌ها به خاطر این بود که آثار را با همه وجودمان می‌خواندیم و کار می‌کردیم. بیشتر کارهایی که من خواندم بدون تمرین بوده است. خیلی راحت و بدون مقدمه می‌رفتم استودیو و می‌خواندم و ایشان هم به همین شیوه اعتقاد داشت. من به ایشان می‌گفتم: «آقای راغب، قبلش بفرست من گوش کنم». می‌گفت: «میخونی بابا! نگران نباش!».

من این خاطره را از زبان آقای آهنگران و دیگر مداحان شاخص دفاع مقدس هم شنیده‌ام. گویا در آن دوران همه چیز فرق می‌کرد و حال و هوایی دیگرگون داشت.

آقای راغب به نحوی موسیقی را پس از انقلاب زنده کردند. یعنی راه موسیقی پس از انقلاب را باز کردند و حتی بر سر موسیقی پاپ امروز هم حق بر گردن دارند.

چون موسیقی در اوایل انقلاب اصلاً وجهه خوبی نداشت و برای هنرمندان موسیقی کلمه مطرح استفاده می‌شد!

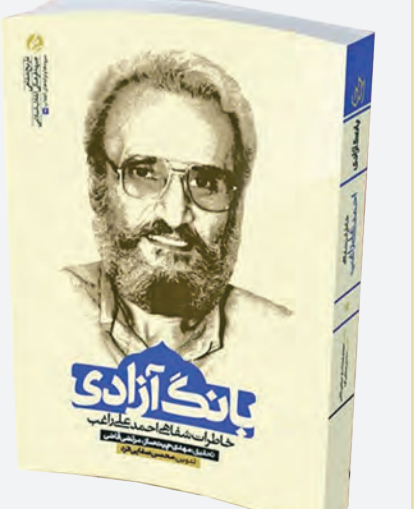
همان طور که شما گفتید متأسفانه پیش از انقلاب به نوازنده‌ها، آهنگسازان و خواننده‌ها مطرح می‌گفتند، ولی پس از انقلاب سرود شهید مطهری نقطه عطف شعر و موسیقی انقلاب شد. ایشان سرود شهید مطهری را ساخت و ما خواندیم و خدمت حضرت امام(ره) رسیدیم که سبب شد حضرت امام به یک قطعه موسیقی توجه کنند. برای امام(ره) در آن موقع خیلی حرف و صحبت هم پیش آمد، ولی ایشان موسیقی را پذیرفتند و ما را مورد لطف و محبت خودشان قرار دادند. این موجب شد راه تازه‌ای در موسیقی به وجود بیاید و نگاه به اهالی موسیقی تغییر کند. در حقیقت هنرمندان موسیقی شخصیت تازه و انگیزه مثبتی گرفتند و کارهای بسیار

خاطرات شفاهی احمدعلی راغب به کوشش محسن صفایی فرد کتاب شده است

سه برش از «بانگ آزادی»

گفت از آن پشت دری هست که از آنجا توی مسجد سه‌سپه‌سار می‌رویم.
کارسازترین روز زندگی من
 روز شهادت شهید مطهری، مصادف با روز تولد من است. من دوازدهم اردیبهشت به دنیا آمده‌ام، ایشان هم دوازدهم اردیبهشت شهید شدند. این روز، روز معلم و روز جهانی کارگر هم هست. دوازدهم اردیبهشت برای من کارسازترین روز بود؛ چراکه برای آن روز، سرودی ساختم که اکنون کل موسیقی ما را به اینجا رسانده است. البته عده‌ای در موسیقی به بیراهه رفته‌اند، ولی به نظر در حرکت در جاده اصلی موفق بوده‌ایم.
ساخت ۷۲ سرود
 گروه گر حزب پس از انفجار دفتر مرکزی حزب

جمهوری فعال‌تر شد. پس از آن انفجار، ما حرف‌های بیشتری برای گفتن داشتیم. به ما گفتند درباره انفجار دفتر مرکزی حزب بیشتر کار کنیم؛ تا جایی که مرحوم سیداحمد خمینی به خود من گفت ما ۷۲ شهید بسیار گرانقدر داده‌ایم، شما هم باید ۷۲ سرود بسازید...
 من چندین بار در محضر حضرت امام(ره) به جماران رفتم و همین گروه گر حزب جمهوری را بدون ساز نزد ایشان بردم... اشعار این ۷۲ سرود از آقایان شاهرخی، مشفق کاشانی، سبزواری و شاعران دیگر بود. رابط و ناظر سفارش ۷۲ سرود، آقای شمسایی بود. می‌گفت ملودی این سرود این طور می‌طلب که چنین واژه‌هایی، با این خصوصیت و این موضوع در این اثر باشد. خصوصیات همه کسانی که شهید شده بودند، به اضافه خصوصیات خود شهید بهشتی در اشعار این شاعران مطرح بود.



روایت